



بیانات در دیدار اعضای کنگره ملی  
بزرگداشت مرحوم آیت الله هادی تالهی؛

**تجلیل از علما تجلیل از  
معارف حقیقی الهی است**

### ◀ بازی با مهره ایتالیایی!

هدایت، خشم و ترس مردم و آدرس غلط دادن درباره دلیل اتفاقات یکی از شیوه‌های رسانه‌ای و تبلیغی در دنیای سیاست است! حربه‌ای که حامیان پیوستن به FATF که این روزها به با بدعهدی‌های آمریکایی‌ها حمایت اجتماعی خود را از دست دادن تلاشی کنند به آن متوسل شده و برخی نارضایتی‌ها در سطح جامعه را به لوایح چهارگانه ضد پولشویی مرتبط کنند! حربه‌ای که در ماجرای فسخ قرارداد ۱ میلیون و ۶۰۰ هزار یورویی استراماچونی با استقلال شاهد استفاده از آن بودیم! روزنامه «سازندگی» فردای خروج سرمربی آبی‌پوشان پایتخت از ایران تصویر استراماچونی را با تیتر «FATF» علیه استقلال» در صفحه اول خود قرار می‌دهد! «علیرضا رحیمی» نماینده اصلاح طلب مردم تهران نیز در توئیتر خود نوشت: «سه نوبت از سه مبدأ تلاش شد طلب آقای استراماچونی به حسابش در ایتالیا واریز شود که هر سه اقدام ناموفق بود و بانک ایتالیایی حساس شده و طبق ضوابط FATF حساب بانکی او را به ظن پولشویی مسدود کرده است.» باز کردن پای لوایح چهارگانه که دولت و حامیان او مدت هاست به دنبال تصویب آن هستند در رسانه‌های اصلاح طلب و فضای مجازی به شکل وسیع منتشر شد! اما واقعیت ماجرا چیست؟ آیا اگر FATF تصویب شده بود قرارداد سرمربی ایتالیایی فسخ نمی‌شد؟ سهم لوایح چهارگانه در پرداخت نشدن مطالبات او چه اندازه بود؟

در پاسخ باید گفت، آنچه رخداد هیچ ربطی به FATF ندارد! بلکه ناشی از تحریم‌های یک جانبه آمریکا علیه ایران است. تحریم‌های کاخ سفید علیه تهران مسیرهای رسمی انتقال پول بین‌المللی را مسدود کرده است. در این شرایط باشگاه استقلال دو راه بیشتر نداشته است، یا اینکه هیچ کاری نکند یا اینکه تحریم را دور بزند و پول سرمربی خود را از کانال‌های غیررسمی پرداخت کند! باشگاه با انتخاب راه دوم دستمزد استراماچونی را به واسطه یک صرافی پرداخت کرده و مطالبات سرمربی ایتالیایی خود را طی چند مرحله به حساب آندره آ استراماچونی در یک بانک ایتالیایی منتقل کرده است. ورود پول از مبادی غیررسمی و گمنام کافی بود تا مرکز مبارزه با پولشویی ایتالیا حساب بانکی مربی‌ای را که پس از اخراج از «اسپارتا پراگ چک» به دلیل نتایج ضعیف بیش از یک سال بود هیچ پیشنهادی نداشت و خانه‌نشین بود! با ظن پولشویی مسدود کند تا استراماچونی نگران از سرنوشت باقی مانده مطالبات و مشکلات ناشی از بسته شدن حساب بانکی‌اش ساز جدایی از استقلال را کوک کند!

## ◀ نقشه راه جدید دشمن

اظهارات سریالی «برایان هوک» نماینده ویژه وزارت خارجه آمریکا، «الحان عمر» نماینده کنگره آمریکا، «جان بولتون» مشاور، «مایک پمپئو» وزیر خارجه آمریکا و فراتر از همه «دونالد ترامپ» رئیس جمهور ایالات متحده در کنار بمباران ادامه دار رسانه‌هایی مانند «ایران اینترنشنال» و «بی بی سی فارسی» و «ایران وایر» و... نشان دهنده یک نقشه راه جدید از سوی جریان ضد ایرانی است! موضوعی که به وضوح نشان می‌دهد دشمنان ملت ایران پس از ناکام ماندن تلاش شان برای استفاده از اعتراض و نارضایتی مردم از زمان و نحوه اجرای اصلاح قیمت و سهمیه بندی بنزین، حالا نقشه جایگزینی را طراحی کرده و در تلاش هستند به بهانه حوادث اخیر پرونده حقوق بشری علیه ملت ایران درست کنند تا ابزاری جدید برای افزایش تحریم علیه همان مردمی به دست آورند که مدعی ایستادن کنار آنها هستند. آنها در آغاز ماجرا همه تلاش خود را برای تحریک و تهییج به اغتشاش انجام دادند و وقتی دیدند مردم غائله را جمع کردند، حال می‌خواهند تحریم و فشار علیه همان مردم را افزایش دهند! تحریم‌هایی که دقیقاً معیشت، سلامت و زندگی مردم ایران را هدف خواهد گرفت! نقشه ای که با اظهارات روز گذشته کمیسر عالی حقوق بشر ابعاد روشن تری نیز به خود گرفته است. «میشل باشله» روز گذشته با اشاره به حوادث آبان ماه، خواستار انجام تحقیقات مستقل و بی طرفانه از اغتشاشات در کشورمان شده است!

## ◀ وظیفه امروز

اینکه دشمنان انقلاب اسلامی تمام تلاش خود را برای به آشوب کشاندن ایران در دستور کار قرار دادند! اینکه اشرا را مسلح به سلاح گرم و سرد به میدان آمدند و بر موج اعتراضات مردمی سوار شدند و اهداف شوم خود را دنبال کردند! اینکه رسانه‌های ضد انقلاب و دشمن با ملت ایران به دنبال سو استفاده از شرایط کشور هستند! اینکه تحریم‌های اقتصادی در ایجاد محدودیت‌های اقتصادی و مشکلات کشور تاثیر ویژه ای دارد همه در جای خود درست و دقیق هستند! اما هیچ یک از این عوامل به معنای نا دیده گرفتن اصل اعتراضات مردمی نیست و نباید اجازه داد که صدای مردم در میان این مسائل گم شود!

شرایط اقتصادی به دلیل برخی نگاه‌های به خارج و معطل نگه داشتن کشور به برجام و مذاکره حال و روز خوبی ندارد و مشکلات اقتصادی زیادی برای مردم ایجاد شده است! حوادث اخیر نیز که متأسفانه به جانباختن و شهید شدن تعدادی از هموطنان مان منجر به تلخ کامی جامعه شده است! در این میان ضروری و لازم است! همانگونه که رهبر معظم انقلاب در پاسخ سوال دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی مرقوم فرمودند، دلجویی و رسیدگی به شرایط خانواده‌های آسیب دیده در این حوادث شتافت که در این میان بسیج و نیروهای انقلابی می‌توانند نقش ویژه داشتند! و فراتر از این در شرایط حاضر و پسا آشوب‌های بنزین لازم است دولت برای صحبت با مردم و شنیدن درد و دل‌های بی واسطه آنها اقدام ویژه انجام دهد که در این میان و در راستای منویات رهبر معظم انقلاب سفر به شهرهای که شاهد اعتراضات بوده و دیدار با این خانواده‌های آسیب دیده و از سوی اعضای دولت و شخص رئیس جمهور بسیار مثمر ثمر خواهد بود.

## روش تحلیل انقلاب اسلامی در پرتو بیانیه گام دوم موفقیت ها و ناکامی های عدالت اجتماعی (۲)

اشاره:

در یادداشت گذشته به موفقیت های نظام اسلامی در تحقق عدالت اجتماعی نسبت به دوران پهلوی و نیز در مقایسه با شاخص های جهانی پرداختیم. در این قسمت به بیان ناکامی ها و تبیین علل آن و راه برون رفت خواهیم پرداخت.

### الف. پیشرفت و ناکامی در تحقق عدالت مطلوب

بیانیه گام دوم به مثابه منشور و مانیفست حال و آینده نظام اسلامی، عدالت اجتماعی را جزو مهم ترین اهداف انقلاب و اولویت گام دوم ذکر می کند. به عبارت دیگر هدف همه پیشرفت ها و حتی ساخت تمدن نوین اسلامی، رفع نابرابری و تحقق قسط و عدل در جهان بوده و هست. واقعیت این است که نظام اسلامی در پیشبرد عدالت نسبت به قبل پیشرفت چشمگیری داشته است:

«عدالت در صدر هدف های اولیّه همه بعثت های الهی است و در جمهوری اسلامی نیز دارای همان شأن و جایگاه است؛ این، کلمه ای مقدّس در همه زمان ها و سرزمین ها است و به صورت کامل، جز در حکومت حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) میسر نخواهد شد ولی به صورت نسبی، همه جا و همه وقت ممکن و فریضه ای بر عهده همه به ویژه حاکمان و قدرتمندان است. جمهوری اسلامی ایران در این راه گام های بلندی برداشته است که قبلاً بدان اشاره ای کوتاه رفت؛ و البته در توضیح و تشریح آن باید کارهای بیشتری صورت گیرد و توطئه واژگونه نمایی و لاقط سکوت و پنهان سازی که اکنون برنامه ی جدی دشمنان انقلاب است، خنثی گردد.»<sup>۱</sup>

با وجود این پیشرفت ها لکن در تحقق عدالت، بین «واقعیت» ها و «باید» ها فاصله ای بسیار زیاد ایجاد شده است. نگارنده حکیم بیانیه در ارزیابی فاصله بین واقعیت پیشرفته در نسبت با آرمان مطلوب انقلاب معتقدند:

«اینجانب به جوانان عزیزی که آینده کشور، چشم انتظار آنها است صریحاً می گویم آنچه تاکنون شده با آنچه باید می شده و بشود، دارای فاصله ای ژرف است. ... برای اجرای شایسته آن، چشم امید به شما جوان ها است؛ و اگر زمام اداره بخش های گوناگون کشور به جوانان مؤمن و انقلابی و دانا و کاردان - که بحمدالله کم نیستند - سپرده شود، این امید برآورده خواهد شد؛ ان شاءالله.»<sup>۲</sup>

پیش از این نیز رهبر معظم انقلاب در نشست راهبردی عدالت که در حضور معظم له و با ارائه نظرات مختلف صاحب نظران ارائه گردید، به این نکته مهم اشاره ای دقیق داشتند:

«در جمهوری اسلامی این وضعیت وجود داشته، سرلوحه دغدغه های نظام از اول انقلاب بوده؛ در بخش اجرای عدالت، انصافاً کارهای زیادی هم انجام گرفته؛ لیکن راضی کننده نیست. بعضی از دوستان در توصیف آنچه که انجام گرفته، اطلاعات و آمارهای خوبی دادند؛ در زمینه ی کارهایی که انجام گرفته، شاید اطلاعات من بیشتر باشد؛ میدانم کارهای وسیعی از اول انقلاب انجام گرفته؛ لیکن مطلقاً راضی کننده نیست. آن چیزی که ما نیاز داریم، آن چیزی که ما دنبالش هستیم، عدالت حداکثری است؛ نه صرفاً در یک حد قابل قبول؛ نه، ما دنبال عدالت حداکثری هستیم؛ ما می خواهیم ظلم در جامعه نباشد. تا این مرحله خیلی فاصله داریم. بنابراین برای این باید تلاش کرد.»<sup>۳</sup>

ایشان ضمن توجه دادن افکار عمومی و به ویژه نخبگان و علی الخصوص جوانان مؤمن انقلابی و دانا به این اولویت اساسی و مطلق برای همیشه نظام اسلامی دلیل این اولویت اساسی را ممانعت از تبدیل عدالت بهارزش درجه دو بیان می کنند:

«آن چیزی که در دنباله این باید عرض کنم، این است: امروز که ما به بحث عدالت می پردازیم ... این دنباله همان دغدغه اساسی است؛ به این معنا نیست که در طول سال های متمادی، ما عدالت را نشناختیم یا نظام جمهوری اسلامی مطلقاً تعریفی از عدالت نداشته و حرکتی نکرده؛ نه، یک تعاریف اجمالی و کلی و یک قدر متیقن هائی همیشه وجود داشته؛ همه هم با آنها آشنا بودند، کارهای زیادی هم ... انجام گرفته. لیکن امروز که ما این را داریم مطرح می کنیم، اولاً به این دلیل است که می خواهیم گفتمان عدالت، یک گفتمان زنده و

<sup>۱</sup> بیانیه

<sup>۲</sup> همان

<sup>۳</sup> ۱۳۹۰/۰۲/۲۷

همواره حاضر در صحنه باشد. در میان نخبگان، در میان مسئولان، در میان مردم، بخصوص در بین نسل‌های تازه، باید عنوان عدالت و مسئله عدالت، به عنوان یک مسئله اصلی، به طور دائم مطرح باشد.<sup>۴</sup>

### ب. علل ناکامی در تحقق کامل عدالت

نخستین موضوعی که ذهن جوانان مؤمن انقلابی و دانای مخاطب بیانیه را به خود مشغول می‌کند این است که دلایل عدم توفیق انقلاب در تحقق کامل آرمان عدالت اجتماعی چیست و چرا پدیده شوم «فقر مطلق» و «شکاف طبقاتی» به طور کامل از بین نرفته و حقوق‌های نابرابر و اختلاف‌های عجیب در سطوح زندگی و محرومیت‌های قابل توجه در بین استان‌ها و شهرهای دور افتاده با نقاط و مراکز میانی کشور در جامعه اسلامی همچنان مشاهده می‌شود؟ دلیل این اتفاق چیست تا در گام دوم بتوان راه چاره‌ای اندیشید؟

### سیاست‌های شرقی-غربی در عرصه اقتصاد

از جمله مهم‌ترین دلایل ناکامی در تحقق عدالت اجتماعی را باید سیاست‌های توسعه سرمایه‌داری جهانی از طریق ریل گذاری‌های اشتباه جریان‌های غیر انقلابی دانست. از سیاست‌های آشکار و وابسته دولت موقت و دولت اول انقلاب (بازرگان و بنی‌صدر) و سیاست‌های شبه سوسیالیستی کابینه میرحسین موسوی که بگذریم، دولت‌های مختلفی مانند دولت پنجم و ششم (کارگزاران سازندگی با شعار توسعه اقتصادی)، دولت هفتم و هشتم (اصلاحات با شعار توسعه سیاسی) و دولت یازدهم و دوازدهم (مکتب‌نیاوران با شعار اعتدال در سیاست خارجی) به سوی اجرای مخفیانه و آشکار لیبرالیسم اقتصادی گام برداشتند. لیبرالیسم اقتصادی پاشنه آشیل طیف قابل توجهی از تصمیم‌سازان، مشاوران و کارشناسان غربگرا و غیر انقلابی در نهادهای مختلف اقتصادی درون نظام است. این سیاست که از سوی صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی که از مهم‌ترین نهادهای سرمایه‌داری جهانی است به کشورها ابلاغ شده و چنانکه مشاهده کردیم در دهه اخیر موجب اختلال و شورش‌های اجتماعی گسترده و تغییر دولت‌های مختلف در کشورهای غربی شده است و بحران‌های اقتصاد سرمایه‌داری را به سایر کشورها سرپان داده است.

به اذعان کارشناسان و شخصیت‌های امین و دلسوز نظام،<sup>۵</sup> سیاست تعدیل و لیبرالیسم اقتصادی از ابتدا سیاستی اشتباه و نادرست بود که موجب کند شدن حرکت قطار عدالت و وارد آمدن فشار به طبقات مستضعف گردید. به همین دلیل لازم است جوانان مؤمن انقلابی و دانا که قرار است شانه‌های خود را زیر بار مسئولیت گام دوم انقلاب بگذارند، ابتدا نسبت به شناخت کامل و همه‌جانبه سیاست‌های اقتصادی غربی که از سوی دانش‌آموختگان اقتصادی غرب به جوامع جهان سوم و از جمله نظام انقلابی ایران تزریق می‌شود و نتایج دردآور آن اکثر طبقات مستضعف را در بر می‌گیرد، اهتمام لازم نمایند در غیر این صورت همچنانکه بعد از گذشت ۳۰ سال از پایان جنگ تحمیلی مشاهده می‌شود تا سال‌ها بعد از این نیز سیاست‌های عدالت محور اقتصاد مقاومتی تحقق نخواهد یافت زیرا کارشناسان اقتصادی که بدنه اصلی تصمیم‌ساز و مشاوران دولت‌های مختلف را تشکیل می‌دهند در چهارچوب قواعد اقتصاد سرمایه‌داری به ارائه نظر کارشناسی می‌پردازند. نکته بسیار مهم و لازم به ذکر اینکه در مجموع واحدهای آموزشی رشته اقتصاد، صرفاً دو واحد اختیاری به درس اقتصاد اسلامی اختصاص دارد و شبهه بسیار رایجی که بخشی از دانش‌آموختگان اقتصاد در ذهن دارند این است که مگر اسلام هم دارای مکتب و نظام اقتصادی است؟ حال آنکه در اسلام، به دقت موازین کسب حلال، موازین مکتب اقتصادی اسلام و سایر نیازهای اتخاذ تصمیمات درست در عرصه اقتصادی در آموزه‌های اسلامی و در آثار فقیهان و حکمای اسلامی همچون: اقتصادنا شهید سیدمحمدباقر صدر (ره) یا نظام اقتصادی اسلام استاد مطهری (ره) و سایر اندیشمندان بیان شده و مهمتر از همه این منابع ارزشمند، برای عبور از مشکلات اقتصادی دهه‌های اخیر، موازین قابل اجرا و اولویت‌داری با عنوان سیاست‌های اقتصاد مقاومتی از سوی حاکم اسلامی و با مشاوره متخصصان برجسته اقتصادی تنظیم و ابلاغ شده است لکن در عرصه اجرا تقریباً با مخالفت از سوی سیاست‌های اقتصادی غربی مواجه شده است. تا آنجا که برخی از معتقدان سرسخت اقتصاد لیبرال در تفسیر اقتصاد مقاومتی نیز باز رو به سوی غرب برده‌اند و معنای واقعی اقتصاد مقاومتی را پناه بردن به سرمایه‌داری جهانی معنا کنند: «می‌توان به جرأت گفت که استراتژی اقتصاد مقاومتی، از یکسو، کاملاً در خلاف جهت سیاست‌های نادرستی است که در دولت‌های نهم و دهم اتخاذ شده بود و از سوی دیگر صراحتاً بر تعامل با دنیای خارج و مشارکت فعال و مؤثر در

<sup>۴</sup> ۱۳۹۰/۰۲/۲۷

<sup>۵</sup> در این باره توصیه می‌شود سخنرانی‌های انتقادی و اعتراضی یادگار امین امام(ره) مرحوم حاج احمد خمینی را در سال‌های ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۳ که اخیراً منتشر شده را به دقت مطالعه فرمایید.

اقتصاد جهانی تأکید دارد.<sup>۶</sup> و معتقدند: «تا تفکر ایدئولوژیک در مسئولان وجود دارد حیات چالش های اقتصادی نیز وجود خواهد داشت.» این صاحب نظران راه نجات اقتصاد ایران را نه اقتصاد مقاومتی بلکه «اقتصاد آزاد» می دانند.<sup>۷</sup> این برداشت نادرست در حالی بیان می شود که رهبر حکیم انقلاب سیاست های اقتصادی و سیاست خارجی دولت نهم و دهم را نسبت به دولت سازندگی انقلابی تر دانستند.<sup>۸</sup>

### لیبرالیسم اقتصادی و تأثیر منفی آن بر عدالت اجتماعی<sup>۹</sup>

لیبرالیسم یا آزادسازی اقتصادی شامل کلیه اقداماتی است که به منظور برداشتن کنترل های بخش عمومی از بازارهای مالی، بازار کالاها و خدمات، بازار کار و بخش خارجی و واگذاری آن به مکانیسم بازار می باشد. مهم ترین اقدامات این سیاست عبارتند از: برداشتن کنترل از بازارهای مالی، رهاسازی قیمت های تحت کنترل و واگذاری تعیین قیمت به بازار، حذف یارانه، آزادسازی تجارت خارجی و حذف هر گونه محدودیت از جمله تعرفه های تجاری، ایجاد زمینه برای استقبال از سرمایه گذاری و استقراض خارجی. این اقدامات در شرایط اقتصادی ایران و بدون در نظر گرفتن اولویت عدالت اجتماعی و با وجود زمینه های مختلف رانت و فساد اقتصادی، آثار منفی ای را در جامعه به جای گذاشت.

### آثار غیر عادلانه لیبرالیسم اقتصادی

#### ۱. آزادسازی قیمت ها

از مؤلفه های مهم سیاست تعدیل اقتصادی، آزادسازی قیمت ها است. طیف کارشناسان غربگرای اقتصاد ایران معتقدند دولت باید در اولین فرصت نسبت به آزادسازی قیمت ها اقدام کند و تعلق در این موضوع را خلاف عقل اقتصادی می دانند. اگر چه این اقدام را دارای تبعات و هزینه های اجتماعی و سیاسی نیز می دانند: «شرط لازم و البته نه کافی برای برقراری انضباط پولی و مالی، اصلاح قیمت های نسبی بر اساس منطق اقتصادی بازار است. تأخیر در این کار صرفاً موجب افزایش تصاعدی هزینه های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی می شود. اگر دولت یازدهم در شرایط مساعد پس از به دست گرفتن قدرت، اصلاحات قیمتی را آغاز و با به انجام رسیدن توافق هسته ای آن را تکمیل می کرد، هزینه های اجتماعی و سیاسی آن بسیار پایین تر بود مضافاً اینکه ما امروز در وضعیت اقتصادی بسیار مناسب تری قرار می داشتیم. امروزه نیز هر تأخیر در انجام اصلاحات قیمتی یقیناً ما را در آینده در وضعیت بسیار دشوارتری قرار خواهد داد.»<sup>۱۰</sup> توصیه می شود در همین باره مقاله انتقادی نسبت به این دیدگاه ها را با عنوان «چرا لیبرال ها اقتصاد مقاومتی را نفهمیدند؟»<sup>۱۱</sup> مطالعه کنید.

#### ۲. تورم شدید

آزادسازی قیمت ها موجبات تورم شدید را فراهم می کند. لیبرالیسم اقتصادی در دولت هایی که آن را اجرا کردند موجب تورم قابل توجه گردید. البته در دولت هایی که شدیدتر اجرا شد تورم شدیدتری به دنبال داشت. ج.ا.ایران در دولت سازندگی و دولت اعتدال که رهبری آن به عهده طیف فکری موسوم به تکنوکرات ها است، شاهد ثبت رکورد بالاترین تورم بعد از انقلاب بوده است. (۳۵/۲ و ۴۹/۴ درصد).

#### ۳. گسترش بیش از پیش فاصله طبقاتی

تورم از عوامل جدی افزایش شکاف طبقاتی است. کالایی که قیمتی معینی دارد، چند برابر از درآمد را از دست کارگر و کارمند خارج می کند و در نهایت به صندوق سرمایه دار می ریزد. این وضعیت به صورت مستمر بر سرمایه نامشروع سرمایه دار می افزاید و در حالی که دستمزد کارگر و کارمند افزایش نیافته است، منافع کار به نفع سرمایه دار به صورت تصاعد هندسی افزایش می یابد. این وضعیت نابرابر که محصول سیاست غیر عادلانه تعدیل اقتصادی است، سرمایه دار را سرمایه دارتر و مستضعف را مستضعف تر می کند.

<sup>۶</sup> غنی نژاد، موسی، «منطق اقتصاد مقاومتی»، پایگاه اینترنتی اقتصاد نیوز.

<sup>۷</sup> همان

<sup>۸</sup> خطبه نماز جمعه ۱۳۸۸/۰۳/۲۹

<sup>۹</sup> Liberalization Policy

<sup>۱۰</sup> غنی نژاد، موسی، «چرا باید قیمت ها در ایران اصلاح شود؟»، پایگاه اینترنتی اقتصاد نیوز:

معاون اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی دولت سازندگی<sup>۱۲</sup> بیان می کند رئیس جمهور معتقد بود که اگر در فرآیند تعدیل ۱۵ درصد جمعیت کشور زیر چرخ‌های توسعه له شوند، اشکال ندارد؛ زیرا این هزینه توسعه است! وزرا و مشاوران دولت سازندگی آگاه نبودند که حرف اصلی انقلاب کمک به محرومان و مستضعفان است نه اینکه برای رسیدن به توسعه آنها را زیر چرخ اقتصاد باز له کنیم. تعدیل اقتصادی ادامه یافت. هدف نهایی کاهش تورم، افزایش نرخ تولید بهبود تراز تجاری، افزایش مالیات‌ها، کاهش تصدی‌گری دولت، خصوصی‌سازی و ... بود. سخن نهایی این بود: بگذار سرمایه‌دار سرمایه‌اش بیشتر شود تا در کنار آن کارگر و نیروی کار نیز منتفع گردد.

اما نتیجه این بود که تورم به ۵۰ درصد رسید، بدهی‌های خارجی به شدت افزایش یافت، با افزایش نرخ ارز، بحران ارزی رخ داد. نارضایتی عمومی به شدت افزایش یافت، رانت خواری و فساد گسترش یافت، قدرت خرید کاهش و دهک‌های پایین‌تر جامعه فقیرتر شدند، واردات به شکل گسترده‌ای شکل گرفت، دولت حجیم‌تر شد و در نهایت اجرای این برنامه متوقف شد. مرحوم هاشمی معتقد بود که این سیاست‌ها قربانی‌های خاص خودش را دارد و نمی‌شود برای آن‌ها کاری کرد. زیرا هزینه و بهای توسعه است و لاجرم باید آنرا پذیرفت. و این در صورتی است که یکی از اهداف برنامه توسعه تأمین حداقل نیازهای اساسی آحاد مردم است و حال آنکه ما می‌بینیم مردم به سختی و تحت فشارهای شدید به امرار معاش می‌پردازند. آثار و تبعات سیاست تعدیل طبیعتاً فشار روی قشر ضعیف جامعه آورد و قدرت خرید مردم را کاملاً کاهش داد. تا اینکه کار به جایی رسید که مقام معظم رهبری مانع ادامه طرح تعدیل اقتصادی شدند.

#### ۴. ترویج سبک زندگی مصرف‌گرا و اشرافی

یکی از اهداف برنامه توسعه اول کشور، تلاش در جهت تأمین عدالت اجتماعی اسلامی بود، اما با رویکردی که دولت در پیش گرفته بود نتایجی کاملاً عکس حاصل شد. یکی دیگر از اهداف برنامه، تعیین و اصلاح الگوی مصرف بود در حالی که موج اول اشرافیت‌سالاری دولتی بعد از انقلاب و دامن زدن به مصرف‌گرایی بروز کرد که نشان از توسعه منهای عدالت دارد. موضوع حساب ویژه مدیران در زمان دولت سازندگی آغاز شد و زندگی مدیران را از سایر اقشار جامعه متمایز کرد. این روند بر خلاف سبک زندگی دولت اسلامی بود. اگر چه در طول این برنامه توان نیروگاه‌ها و تعداد سدهای کشور افزایش یافت و تولید ناخالص داخلی با رشد مواجه شد، اما نتیجه اجمالی آن افزایش فاصله طبقاتی و فقیرتر شدن دهک‌های پایین جامعه بود.

این سیاست مغایر با انقلاب در آغاز دهه ۷۰ مورد نقد و اعتراض رهبر انقلاب قرار گرفت:

«آنچه که من به برنامه‌ریزان و مسئولین دولتی مؤکداً سفارش می‌کنم، این است که در این برنامه توجه کنند که هدف اصلی، کمک به طبقات محروم جامعه باشد. این چیزی است که ما را به عدالت اجتماعی نزدیک می‌کند. هدف اصلی در کشور ما و در نظام جمهوری اسلامی عبارت از تأمین عدالت است و رونق اقتصادی و تلاش سازندگی مقدمه آن است. ما نمی‌خواهیم سازندگی کنیم که نتیجه این سازندگی یا نتیجه رونق اقتصادی این باشد که عده‌ای از تمکن بیشتری برخوردار شوند و عده‌ای فقیرتر شوند. این، به هیچ‌وجه مورد رضای الهی و رضای اسلام و مورد قبول ما نیست.»<sup>۱۳</sup>

همچنین ایشان در تنفیذ حکم رییس دولت اصلاحات در ابتدای دهه ۸۰ نیز، دولت را از پیروی نادرست از سیاست‌های سرمایه‌داری جهانی برحذر می‌دارند:

«نظام ما اسلامی است و برای ریشه‌کن کردن فقر، بی‌عدالتی و تبعیض از این کشور که میراث حکومت‌های طواغیت گذشته است، باید تلاش شود. نظام اسلامی، نظام سرمایه‌داری نیست. برای ما تضمین قسط و عدل در جامعه، اصل است و جهت تمامی تلاش‌ها باید بر این باشد که همه مردم بتوانند به اندازه همت، استعداد و تلاش خود از امکانات و ثروت عمومی برخوردار شوند و کسی مظلوم، محروم و سرکوب‌شده نماند.»<sup>۱۴</sup>

<sup>۱۲</sup> دکتر پرویز داودی

<sup>۱۳</sup> پیام نوروزی، ۱۳۷۲

<sup>۱۴</sup> تنفیذ حکم رییس جمهوری، ۱۳۸۰

همچنین در دهه ۹۰ ضمن نقد سیاست‌های توسعه‌گرای وابسته تحقق عدالت را در قالب سیاست‌های مستقل اقتصاد مقاومتی از دولت اعتدال نیز مطالبه می‌کنند:

«تلخی‌ها و سختی‌ها عمدتاً مربوط به مشکلات اقتصادی و معیشتی مردم است؛ طبقات متوسط و ضعیف در طول سال درگیر این مشکلات بودند و همچنان هستند؛ چون از وضع مردم مطلع هستیم، لذا تلخی را با همه وجود حس می‌کنم؛ تلخی کام مردم، بخصوص مردم ضعیف و فرودست و طبقات ضعیف که مربوط به مسائل اقتصادی و مشکلات اقتصادی است مثل گرانی، مثل بیکاری، مثل آسیب‌های اجتماعی که آنها هم عمدتاً منشأ اقتصادی دارند؛ مثل تبعیض‌ها و نابرابری‌ها. خب، همه ما مسئولیم؛ هم پیش‌خدا، متعال، هم پیش‌ملت بایستی پاسخگو باشیم. من در سال اقدام و عمل [سال ۹۵] از مسئولین محترم خواستم که ستادی برای اقدام و عمل تشکیل بدهند و تشکیل دادند؛ لکن آنچه انجام گرفته است، با آنچه مورد انتظار مردم و مورد انتظار ما است، فاصله زیادی دارد.»<sup>۱۵</sup>

اساساً هدف از ابلاغ سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، کمک به طبقات ضعیف، کاهش شکاف طبقاتی و نزدیک شدن به عدالت اجتماعی بود اما این هدف توسط دولت در دستور کار قرار نگرفت و در نتیجه آثار محسوسی در زندگی طبقات مستضعف به جای نگذاشت:

«اگر همه کارهای ضروری در موضوع اقتصاد مقاومتی انجام شده بود، امروز تفاوت محسوسی را در اوضاع اقتصادی کشور و زندگی مردم شاهد بودیم. به رئیس‌جمهور محترم هم گفته‌ام که بیان شاخص‌های کلان خوب است - البته اگر آمارها قابل خدشه نباشد - اما به هر حال اینها در زندگی و معیشت مردم در کوتاه‌مدت و میان‌مدت اثر نمی‌گذارد. شکایات مردم و دیدگاه‌های صاحب‌نظران به‌دست ما می‌رسد و باید در مسائلی نظیر تولید، اشتغال، از بین بردن رکود به معنای واقعی کلمه، قاچاق و واردات و صادرات به‌گونه‌ای عمل کرد که مردم تأثیر آن را در زندگی خود، کاملاً احساس کنند اما اکنون، این‌گونه نیست.»<sup>۱۶</sup>

کار لفاظی مسئولین و عدم اجرای واقعی سیاست‌ها به جایی رسید که رهبری تصریح کردند:

«هن هزار بار تابه‌حال اصطلاح اقتصاد مقاومتی را از مسئولین شنیده‌ام اما منتظر کوچک‌ترین اقدام هستیم.»<sup>۱۷</sup>

گرایش کارشناسان و مسئولان اقتصادی کشور به اقتصاد غربگرا در قالب سیاست‌های تعدیل و لیبرالیسم اقتصادی امری پوشیده و مخفی نیست و جریان همسو با دولت نیز به آن اذعان دارند. اقتصاددان عضو حلقه (مکتب) نیوران معتقد است، راه رسیدن به توسعه ایجاد شکاف طبقاتی پایدار است. گرایش لیبرال آنقدر برجسته است که برخی اپوزیسیون‌های خارج‌نشین نیز ضمن اذعان به وجود گرایش مخالف عدالت در مسئولان اقتصادی، تعریف این طیف از اقتصاد مقاومتی را استمرار فشار بیشتر بر مردم و زحمت‌کشان و اعمال ریاضت اقتصادی بر جامعه می‌دانند. وی مسئولان را مانع درجه اول تحقق عدالت و دولت یازدهم را پرشتاب‌ترین دولت‌ها در اجرای سیاست‌های تعدیل‌ساختاری می‌داند. او معتقد است در حالی که چنین سیاست‌هایی در جهان شکست‌های حیرت‌آوری خورده است اما در ایران به دلیل روی کار آمدن تعدادی از نیروهای اقتصادی که از این سیاست‌ها پشتیبانی می‌کنند، اجرای سیاست‌های تعدیل‌ساختاری در ایران ترغیب می‌شود. با توجه به صدایی که از این دولت شنیده می‌شود، هر آنچه که مانع مداخلات اقتصادی و توزیع درآمد عادلانه باشد، سوسیالیستی نامیده شده و دولت، آن را محکوم به نابودی می‌داند، پس مشخص است که دولت نمی‌تواند سیاست اقتصاد مقاومتی را بپذیرد و برای آن راه حلی پیدا کند.<sup>۱۸</sup>

### جمع‌بندی:

تحقق عدالت اجتماعی بر عهده سه بخش از افراد جامعه است: ۱. مسئولان، ۲. نخبگان، ۳. مردم. مسئولان و نخبگان دارای کوتاهی‌هایی در تعریف سیاست‌های عادلانه بر اساس الگوها و اسناد بالادستی موجود دارند که بخشی از آن مورد اشاره قرار گرفت. اما نقش مهم مردم در این امر نیز قابل توجه است. انقلاب اسلامی یک حرکت مردمی است و تنها با حضور نخبگان و مسئولان به پیروزی نرسید. مردم می‌باید ضمن شناخت موضوع و مطالبه‌گری برای تحقق آن به نحو اثرگذاری در قالب‌های مؤثر بسیج شوند. موضوع مطالبه‌گری و ضرورت آن از مسئولیت‌های انقلابی است که از سوی رهبر انقلاب بارها مورد تأکید قرار گرفته است. عدالت اصلی‌ترین ارزش انقلاب است و انقلاب

<sup>۱۵</sup> پیام نوروزی ۱۳۹۶

<sup>۱۶</sup> دیدار خبرگان ۱۳۹۶/۱۲/۱۹

<sup>۱۷</sup> ۹۴/۰۸/۰۶ به نقل از مهندس باهنر

<sup>۱۸</sup> رییس دانا، فریبرز، خبرگزاری نسیم، ۱۳۹۵/۰۱/۰۷، ۲۰۱۹۵۰۶، <http://www.nasimonline.ir/print/2019506>

بدون عدالت هیچ مزیتی نخواهد داشت از این رو برای تحقق کامل عدالت که بالاترین هدف انبیا و اولیاست باید مردم را به وادی مطالبه‌گری آگاهانه و انقلابی هدایت نمود.

«همه همت ما باید این باشد که این روحیه مطالبه، خواستن و مدعا داشتن در زمینه‌های گوناگون را در نسل جوان کشورمان - بخصوص جوان علمی - گسترش بدهیم. اگر این شد، ممکن است به همه آن مطالبات نتوان پاسخ داد - کما اینکه در کوتاه‌مدت همین جور هم هست؛ به همه مطالبات در کوتاه‌مدت یقیناً نمی‌شود پاسخ داد؛ ظرفیت‌ها محدود است - لیکن یقیناً آینده خوب و یک افق روشن با چنین مطالباتی جلوی چشم است. جوان باید مطالبه کند، باید احساس کند که این مطالبه سودمند است، ثمربخش است؛ و تشویق بشود بر این مطالبه و باید احساس کند که او فقط مسئولیتش طرح سؤال و پرتاب کردن یک شعار نیست، که بگوید خوب، ما کار خودمان را کردیم؛ نه، پیگیری کردن، مطالعه کردن، درباره مسئله اندیشیدن، آن را پخته کردن، راه کار اجرائی را برای آن جستجو کردن، برای طرحش با مراکز دست‌اندرکار و مجری تلاش کردن و فعالیت کردن و بالاخره خود وارد میدان کار شدن، اینها جزء وظایف و تکالیف جوان ماست که این را هم بایستی جوان ما درک کند؛ در کنار آن مطالبه و طلبگاری و مدعا داشتن که عرض کردیم.»<sup>۱۹</sup> رهبر انقلاب عدالت‌طلبی را مأموریت بسیجیان و آحاد مردم می‌داند: «بسیجی عدالت‌طلب است. عدالت‌طلبی فقط این نیست که انسان شعار عدالت‌طلبی بدهد؛ نه، باید این را واقعاً بخواهد. عدالت‌طلبی به این نیست که انسان رودرروی کسی بایستد و بگوید تو عدالت‌طلب نیستی؛ نه، این، ساز و کار دارد. باید جامعه به نقطه‌ای برسد که سیاست‌های عدالت‌طلبانه در آن طراحی شود و دستگاه اجرایی طوری باشد که سیاست‌های عدالت‌طلبانه فرصت عملیاتی شدن و اجرایی شدن پیدا کند؛ و آلاً خیلی سیاست‌های عدالت‌طلبانه هم مطرح میشود؛ اما سازوکار، آدمها، مهره‌ها، قلم‌به‌دست‌ها و امضاءکننده‌ها یا علاقه‌دارند، یا اعتقاد ندارند، یا همت ندارند، یا حال و حوصله ندارند، یا از همان قبیل «برو بابا دلت خوشه» است؛ لذا کارها متوقف و لنگ میماند؛ بنابراین آن‌جاها را باید اصلاح کرد.»<sup>۲۰</sup>

۱۷ سال قبل، رهبر انقلاب در پیام مهمی به جنبش دانشجویی، عدالت را «سرآغاز فهرست بلند مسائل کشور» خواندند و مطالبه مبارزه با فساد و اشرافی‌گری را وظیفه دانشجوی مؤمن و متعهد؛ نتیجه به میدان آمدن جریان دانشجویی مؤمن و انقلابی در این مطالبه‌گری، ترویج و تثبیت این گفتمان بود که پرچم آن را رهبر انقلاب بلند کرده بودند. «خواست و پیگیری شما اثر دارد. این تصور غلط مبدا به ذهن بیاید که چه فایده دارد؛ نخیر، کاملاً فایده دارد. اگر مثلاً شعار عدالتخواهی که حالا یک مسئولی این را بر زبان آورده، گفته میشود، بعد هم تمام میشود، کسی در جامعه پرچم عدالتخواهی را به دست نمیگرفت. .. کار شما جوانها بود... به عنوان طرح مسئله عدالتخواهی... این را در دانشگاهها جوانهای مؤمن، جوانهای متعهد، جوانهای بامسئولیت مطرح کردند، وقتی تکرار شد، به شکل یک گفتمان عمومی درمی‌آید و نتیجه‌اش را در گزینش‌ها، در جهتگیری‌ها، در شعارها و در انتخابات مردم نشان می‌دهد.»<sup>۲۱</sup>

رهبر انقلاب اسلامی، تکرار و تأکید بر آرمانها در جامعه و مطالبه‌گری آنها را بسیار ضروری می‌داند و معتقدند: «اگر تهاجم وسیع و پرچم ضد انقلاب به افکار عمومی، با برجسته کردن و مطالبه‌گری آرمانی روبرو نشود، قطعاً ویرانگری خواهد کرد. لشکر جوانان مؤمن و انقلابی باید وارد میدان مطالبه دائم و هوشیارانه آرمانها و کمک به تحقق اهداف انقلاب شود و در مقابل تخریب افکار عمومی و فضاهای نخبگانی و مدیریتی، سد ایجاد کند.» ایشان صراحت و شجاعت در مطالبه آرمانها را با همان زبان ویژه جوانان مؤمن و انقلابی، کاملاً ضروری می‌داند: «باید در افکار عمومی اشرافی‌گری و وابستگی فکری نفی و طرد شود.»<sup>۲۲</sup>

<sup>۱۹</sup> ۱۳۸۶/۰۷/۱۷

<sup>۲۰</sup> ۱۳۸۴/۰۳/۰۵

<sup>۲۱</sup> ۸۶/۷/۱۷

<sup>۲۲</sup> ۱۳۹۷/۰۳/۰۸